خبر روز

۴۲ زائر در تصادف اتوبوس مصدوم شدند

تصادف اتوبوس با یک دستگاه تریلر در آزادراه تهران - ساوه منجر به مصدومیت ۴۲ سرنشین اتوبوس که زائر بودند، شد. بهرام صیدی، سرپرست مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی ساوه استان مرکزی به ایسنا گفت: شامگاه دوشنبه ۳۱ مرداد امسال اتوبوس حامل زائران کربلا با تریلر در آزادراه تهران به ساوه تصادف کرد و ۴۲ نفر مصدوم شدند. این اتوبوس حامل زائران کربلای معلی و از شهرهای شمالی کشور بود که این حادثه رخ داد. براساس اعلام کارشناسان پلیس راه، علت این حادثه بی‌توجهی به جلو از سوی راننده اتوبوس اعلام شده است.

دستگیری گروگانگیران مسلح در شیراز

سارقان مسلح گروگانگیر در کمتر از یک ساعت فرار از سوی ماموران شناسایی و بازداشت شدند. به گزارش جام‌جم، سردار رهام بخش حبیبی، فرمانده انتظامی استان فارس گفت: عصر دوشنبه از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارشی مبنی بر سرقت مسلحانه خودرو و آدم‌ربایی در یکی از خیابان‌های شیراز به ماموران گزارش شد. ماموران در تحقیقات متوجه شدند، سارقان مسلح جوان پس از مجروح کردن راننده با اسلحه کمری و گروگان‌گرفتن همسر او، خودرو تویوتا آنها را به سرقت برده بودند. ماموران سارقان گروگانگیر را در یک عملیات پیچیده و در حالی که با آنها درگیر شده بودند، در اطراف شیراز بازداشت کردند و گروگان را نجات دادند. تحقیق از متهمان برای مشخص شدن انگیزه‌شان از این اقدام ادامه دارد.

محکمه

۴ دهه هفتادی خفن

محاکمه اعضای باندی که عشق پلیسی از آنها مامور قلابی ساخت

رویای پلیسی-امنیتی سه پسر دهه هفتادی از آنها مجرمانی خفن ساخت که در ۲۲ سالگی با کلکسیونی از جرایم دستگیر شوند. آنها در جلسه محاکمه‌شان، خود را قربانی آرزوهای دست‌نیافتنی‌شان اعلام کردند. آرزوهایی که باعث شد از دوستی آنها باندی تشکیل شود و در پوشش مامور پلیس از موادفروشان و دلالان دلار اخاذی کنند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۸ و با شکایت‌های مشابه از ماموران قلابی در شهر پردیس استان تهران آغاز شد. بر اساس شکایت‌ها، پنج پسر جوان در پوشش مامور طعمه‌های خود را گروگان گرفته و از خود یا خانواده‌شان اخاذی می‌کردند. تحقیقات برای دستگیری دزدان آغاز شده بود که درگیری چند نفر در اتوبان بابایی به پلیس گزارش شد. ماموران با حضور در محل متوجه درگیری چهار پسر با سر تیم گشت بسیج شدند. با دستگیری چهار پسر جوان مشخص شد آنها متهمان تحت تعقیب سرقت‌های پردیس هستند.

پرونده چهار پسر جوان همراه فردی که پول‌های سرقتی به حسابش واریز شده بود به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و آنها در شعبه دوم پای میز محاکمه قرار گرفتند. بر اساس کیفرخواست دادسرا آنها متهم به مشارکت در پنج فقره سرقت مسلحانه همراه با زور، غصب عنوان و حمل و نگهداری تجهیزات نظامی هستند.

در ابتدای این جلسه سه نفر از شکات که در جلسه حضور داشتند به طرح شکایت خود پرداختند. اولین شاکی گفت: متهمان در پوشش مامور مرا حوالی جاجرود گروگان گرفته و از خانواده‌ام بیش از ۱۵ میلیون تومان اخاذی کردند. من از ساعت چهار عصر تا ساعت ۱۱ شب گروگان آنها بودم.

دومین شاکی هم گفت: «متهمان در پوشش مامور نزدیک به پنج میلیون تومان از من اخاذی کردند.»

سومین شاکی هم سرتیم گشت بسیج بود که در تشریح شکایتش گفت: «متهمان با چاقو بازوی مرا زخمی کردند.»

رئیس دادگاه سپس از متهمان خواست از خود دفاع کنند. متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت در دفاعیاتش گفت: «ما ادعای این سه شاکی را قبول داریم و دو شاکی دیگر که افغان هستند را نمی‌شناسیم. ما قبل از دادگاه تصمیم گرفتیم واقعیت را بگوییم. ببینید آقای قاضی، ماجرای سرقت‌ها از یک تفریح شروع شد. ما بچه‌محل‌هایی بودیم که یک نقطه مشترک داشتیم و آن هم عشق پلیس و امنیتی بازی بود. من در حوزه بی‌سیم تخصص خوبی دارم و اطلاعاتم در مورد احکام نظامی هم بالاست. یک روز برای تفریح به جاجرود رفته بودیم که متوجه درگیری برادر معتادم با پسر جوانی شدم. به هواخواهی از برادرم آن پسر را گرفتیم و داخل خودرویمان بردیم. در آنجا متوجه شدیم برادرم قصد داشته از او مواد بخرد که ساقی فکر کرده او مامور است. ساقی خودش پیشنهاد داد رهایش کنیم و او را تحویل کلانتری ندهیم. گفت اگر این کار را نکنیم، به ما پول می‌دهد و پدرش برای ما پول واریز کرد. البته یکی از دوستانمان در ماجرا نقشی نداشت و ناخواسته در این پرونده وارد شد او حتی از پول‌های زورگیری چیزی نگرفت. بعد دیدیم چقدر سرقت در پوشش مامور راحت است و هیجان دارد. به همین خاطر روز بعد دوباره به آن منطقه رفته و از ساقی دیگری زورگیری کردیم. سه روز دیگر هم رفتیم اما چیزی کاسب نبودیم تا این‌که با شک سرتیم گشت بسیج به ما که بی‌سیم و دستبند همراه داشتیم، دستگیر شدیم و بعد ماجرا لو رفت. البته برادرم که طراح سرقت‌ها بود فراری است.»

رئیس دادگاه: سابقه داری؟

متهم: بله. بعد از این دستگیری توانستیم مدتی از زندان بیرون بیاییم و این بار در پوشش مامور پلیس امنیت اقتصادی سراغ دلالان دلار رفته و از آنها سرقت کردیم. می‌خواستیم با این سرقت‌ها رد مال پرونده قبلی را بدهیم. به خاطر جاسوسی هم پرونده در دادگاه انقلاب دارم.

سپس متهم ردیف دوم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «عشق به پلیس بازی ما را به اینجا کشاند. ما آرزوهایی داشتیم و برای رسیدن به آن تلاش کردیم اما نشد. الان در زندان در حال نوشتن کتابی هستم و از دادگاه می‌خواهم ما را ببخشد و انگیزه‌ام را برای نوشتن کتاب از من نگیرد.»

متهم ردیف سوم که نقش راننده را در سرقت‌ها داشت وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: «من می‌خواستم در نیروی انتظامی استخدام شوم اما به خاطر اعتیاد پدرم، در گزینش رد شدم. به خاطر عشق پلیس بازی با دوستانم سرقت می‌کردیم. این کار برای ما یک تفریح بود.»

متهم ردیف چهارم هم گفت: «من در سرقت‌ها نقشی نداشتم و روز اول با آنها همراه بودم و از پول‌ها سهمی نگرفتم.»

آخرین متهم نیز وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: «برادرناتنی متهم ردیف اول هستم و او شماره کارت من را به مالباخته‌ها داده بود و پول را به حسابم واریز کرده بودند. من از ماجرای سرقت‌ها بی‌اطلاعم.»

در ادامه وکلای متهمان به دفاع از آنها پرداختند. وکیل یکی از متهمان گفت: «اطلاعات و تبحر این متهمان در حوزه امنیتی و نظامی زیاد است اما به دلیل این‌که نتوانستند از آن در مسیر درست استفاده کنند به این سمت آمده و این جرایم را مرتکب شدند.»

پس از آخرین دفاعیات متهمان، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

گزارش

پسر بوکسور برای نجات جان ۲ دختربچه به دل آتش زد

درود، سرباز قهرمان

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

با فداکاری حمزه عطشانی، بار دیگر خاطره علی لندی، نوجوان ۱۵ساله ایذه‌ای -که مهرماه سال گذشته جان دو زن سالمند را از آتش‌سوزی نجات داد- زنده شد. حمزه، جوان ۲۴ساله کرمانی، ظهر روز دوشنبه در حالی‌که هیچ‌کس جرات نداشت به آتش مهیب خانه همسایه نزدیک شود، وارد آنجا شد و دو کودک ۱۰و چهارساله خانواده را از میان دود و آتش بیرون کشید و سالم تحویل خانواده داد.

روز حادثه، مادر همراه پسر ۹ساله‌اش از خانه بیرون رفته و پدر هم سرکار بود. آن روز، فقط صوفیای ۱۰ساله و خواهر چهار ساله‌اش سونیا در خانه بودند. از صوفیا می‌خواهیم از روز حادثه برای جام‌جم تعریف کند: «آن روز کتاب داستان می‌خواندم و خواهرم هم تلویزیون تماشا می‌کرد. یکدفعه بوی کاغذ سوخته حس کردم. بو خیلی اذیتم می‌کرد و برای همین بلند شدم تا ببینم علت بو چیست. دود خیلی بزرگی از اتاق بیرون می‌آمد. مشخص نبود چه چیزی آتش گرفته است. خواهرم که دود و آتش را دیده بود، به من گفت می‌ترسد. گفتم خودت را به من بچسبان تا نترسی. با این‌که خودم هم ترسیده بودم اما سعی می‌کردم به خواهرم قوت قلب بدهم. پدرم به من یاد داده بود اگر جایی آتش گرفت، پتوروی آن بیندازم تا خاموش شود اما آتش و دود آن قدر بزرگ بود که جرات نکردم پتو بیندازم، برای همین پنجره خانه را باز کردم و داد زدم و کمک خواستم.»

بچه‌ها مهم‌تر از جانم هستند

در لحظاتی که صوفیای کوچک تلاش می‌کرد همسایه‌ها را خبر کند، همان موقع حمزه عطشانی از خانه بیرون آمد تا به باشگاه برود. ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه صبح بود. حمزه در گفت‌وگو با جام‌جم از آن لحظات می‌گوید: «یکدفعه متوجه سروصدای داخل کوچه و دودی شدم که از خانه آقای اسکندری بلند شده بود و سریع به سمت خانه آنها دویدم. یکی از همسایه‌ها گفت کجا می‌روی؟ گفتم خانه آقای اسکندری آتش گرفته و کمک می‌خواهند. همسایه هم یک کپسول آتش‌نشانی به من داد و گفت همراهت باشد شاید به‌کارت بیاید. من هم کپسول را گرفتم و به سمت خانه رفتم. وسط راه دوستم را دیدم که در کوچه نشسته بود. به او گفتم برای کمک بیاید. ورودی خانه دو در داشت که هر دو را با کپسول آتش‌نشانی شکستم و وارد شدم. شدت آتش و دود خیلی زیاد بود. با این‌که وضعیت خطرناکی بود اما دنبال بچه‌ها می‌گشتم. دود غلیظ، خانه را تاریک کرده بود و اجازه نمی‌داد بچه‌ها را ببینم. پس سینه‌خیز سعی کردم آنها را پیدا کنم. بقیه می‌گفتند خطرناک است، ممکن است جانت به خطر بیفتد اما آن لحظه نجات جان بچه‌ها مهم بود و به زندگیم فکر نمی‌کردم. گفتم هرچه می‌خواهد بشود. به هرسختی که بود، بچه‌ها را یافتم و سالم از خانه خارج کردم.»

خطر به ما الهام شد

مادربزرگ صوفیا که همراه پسرش بیرون بود، به خانه برگشتند. وقتی سرکوچه رسیدند، متوجه دودی شدند که به آسمان برخاسته بود. حلیمه اسماعیلی‌زاده، مادربزرگ بچه‌ها از آن لحظه می‌گوید: «کوچه شلوغ بود. گفتم چه اتفاقی افتاده است. پسرم مدام دلداری‌ام می‌داد. وقتی رسیدیم، فهمیدم خانه پسرم آتش گرفته است. همسایه‌ها دم در خانه بودند. نفهمیدم چه شد و چگونه از پله‌ها بالا رفتم. خدا به آقا حمزه خیر بدهد که جان بچه‌هایم را نجات داد.»

پسرم از اهل بیت(ع) جرات گرفت

عباس عطشانی پدر ۵۵ ساله حمزه، از شجاعت پسرش به خودش می‌بالد. او که از اعضای هیات امنای مسجد الزهرای خوزستانی‌های کرمان است، در مورد حادثه به ما می‌گوید: «حمزه متولد سال ۷۷ و متاهل و تازه به خدمت سربازی اعزام شده است. اولیسانس تربیت بدنی دارد. پسرم شب از شدت سرفه به علت استنشاق دود زیاد نتوانست بخوابد اما از کاری که کرده بود، راضی و خوشحال بود. پسرم دوستدار اهل بیت(ع) است و این‌گونه بزرگ شده و از برکت آنها دل و جرات خوبی پیدا کرده است. بعد از شنیدن خبر شجاعت پسرم، سجده شکر به جا آوردم. پسرم علاوه بر تدریس قرآن، ورزشکار و بوکسور مسابقات بین‌المللی است اما متاسفانه فدراسیون بوکس هیچ‌کاری برای او انجام نداد و پسرم با هزینه خانواده در مسابقات شرکت کرد. امیدوارم برای او کاری انجام شود.»

برای دیدن فیلم آتش‌سوزی کد را اسکن کنید

نظمیه

سناریوی پیچیده مرد همسرکش برای جنایت آتشین

مرد ۴۶ ساله که به‌دلیل سوءظن همسرش را کشته و جسدش را به آتش کشیده بود، پس از دو ماه، سکوت خود را شکست.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از دوم ماه تیرماه امسال با گزارش ناپدیدشدن زن جوانی در فردیس آغاز شد. با بررسی شکایت مشخص شد این زن در آپارتمانی در این شهر زندگی می‌کرد و به طرز مشکوکی ارتباط او با خانواده‌اش قطع و ناپدید شده است. تیم جنایی با حضور در خانه این زن به تحقیق از همسایه‌ها پرداخت و متوجه شد همزمان با ناپدیدشدن زن ۳۹ ساله، دو مرد هراسان کارتنی را از خانه خارج کرده و از محل رفته‌اند. با کشف این سرنخ، تحقیقات ادامه پیدا کرد و مشخص شد او شوهری ۴۶ ساله داشته که وی در تحقیقات مقدماتی مدعی شد آخرین بار همسرش را در پل فردیس از خودرو پیاده کرده و بعد از آن دیگر همسرش جوابگوی تماس‌هایش نبود. این مرد پس از اولین تحقیق تلفنش را خاموش کرد و ناپدید شد که دستور توقیف خودرویش صادر گردید و ماموران خودرو را در قزوین توقیف و راننده را دستگیر کردند.

این مرد پس از انتقال به پلیس آگاهی فردیس منکر اطلاع از سرنوشت همسرش شد. در ادامه عکس او به همسایه‌ها نشان داده شد که او را شناختند و گفتند این همان مردی است که همراه کارگری، کارتن را از خانه زن جوان خارج کردند.

متهم دوباره بازجویی شد که این بار ادعا کرد در خانه گاوصندوقی داشته که برای انتقال آن به جایی دیگر از کارگری کمک گرفته بود.

با توجه به تناقض‌گویی‌های متهم، بازپرس پرونده او را برای تحقیقات بیشتر با قرار قانونی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار داد که او سرانجام به قتل اعتراف کرد و گفت: «به همسرسوءظن داشتم. آخرین بار او را پل فردیس پیاده کرده و بعد از چند دقیقه به خانه برگشتم تا مچش را بگیرم اما اشتباه می‌کردم. بر سر شکی که داشتم با هم درگیر شدیم که عصبانی شدم و او را با چاقو کشتم. بعد از قتل جسد را در کارتنی قرار داده و با کمک کارگری به خودرویم انتقال دادم. سپس جسد را به بیابان‌های اطراف نطنزبرده و در آنجا به آتش کشیدم. بعد گاوصندوقی را در میان کارتن قرار داده و با کمک دو کارگر از خانه خارج کردم تا اگر پلیس شک کرد بتوانم با صحنه‌سازی از اعتراف فرار کنم اما ماجرا لو رفت.»

سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی البرز با اشاره به این خبر گفت: «پس از اعترافات متهم به قتل همسرش، او به محل آتش‌زدن جسد منتقل و با راهنمایی او، بقایای جسد همسرش پیدا و به پزشکی قانونی منتقل شد.»

تلنگر

آمارهای تکان‌دهنده رئیس پلیس راهور از تصادفات

محمد غمخوار
دبیرگروه حوادث

«انگار در خودروهای تولید داخل تی‌ان‌تی (TNT) کار گذاشته‌اند»، «چراکاهش ۳۱ درصدی تلفات تصادفات محقق نشد؟»، «۵۱ درصد فوتی‌های ما در لحظه اولیه، ۶ درصد در حین انتقال و ۴۳ درصد در بیمارستان‌ها اتفاق می‌افتد»، «۳۴ درصد تصادفات در جاده‌ها رخ می‌دهد اما ۷۰ درصد فوتی‌های ما در این تصادفات است» و «در کل ۳۰۰ هزار نقطه حادثه‌خیز داریم که ۳۲۰۰ نقطه آن مربوط به وزارت راه است و ۵۰۰ نقطه تاکنون اصلاح شده است» این هشدارهایی است که رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کشور در هر نشست و همایشی روی آن تاکید دارد، اما به نظر می‌رسد گوش شنوایی برای شنیدن هشدارهایش نیست؛ هشدارهایی که بی‌توجهی به آن باعث شد سال گذشته شمار قربانیان تصادفات با افزایشی ۹ درصدی به ۱۶ هزار و ۷۷۸ نفر برسد. با یک حساب سرانگشتی، در روز ۴۵ نفر در کشور قربانی تصادف شدند. سال گذشته ۳۱۷ هزار نفر هم مصدوم شدند.

رئیس پلیس راهور فراجا دیروز در اولین نشست تخصصی روسای پلیس راه راهور فراجا و مدیران کل راهداری سراسر کشور دوباره به کم کاری دستگاه‌ها و نقش آنها در افزایش آمار قربانیان اشاره کرد و گفت: «در موضوع تصادفات، مدیریت اولین عامل است. در برنامه ششم توسعه ۳۱ درصد کاهش جانباختگان تصادفات پیش‌بینی شده است، اما باید بررسی شود چرا به این شاخص نرسیدیم. در ماده ۱۰۸ قانون به صراحت گفته شده دولت‌ها مسئول تأمین ایمنی مردم در راستای کاهش تصادف هستند.»

هادی‌نفر به محل فوت قربانیان تصادفات اشاره کرد و گفت: «امروز ۵۱ درصد فوتی‌های ما در لحظه اولیه، ۶ درصد در حین انتقال و ۴۳ درصد در بیمارستان‌ها اتفاق می‌افتد. این ۴۳ درصد از ۱۷ هزار جانباخته که در بیمارستان‌ها هستند باید با ایجاد امکانات، کاهش پیدا کنند. در ۵۱ درصدی که پلیس نیز مسئول آن است، ۳۲ دستگاه سهیم هستند و باید در پیشگیری، حین و بعد از تصادف نقش خود را ایفا کنند. باید در این اعداد، شاخصی تعیین کنیم و آن را کاهش دهیم. وزارت بهداشت باید امکانات انتقال هوایی ایجاد کند تا مصدومان سریع به بیمارستان‌ها برسند و بیمارستان‌ها باید بخش تروما داشته باشند.»

وی با اشاره به این‌که باید بپذیریم هنوز نقاط حادثه‌خیز و پرخطر داریم، گفت: «امروز بودجه‌ای که برای کاهش جانباختگان در کشور هزینه می‌شود، اتلاف هزینه نیست و سرمایه‌گذاری است. برخی از نقاط حادثه‌خیز غیرثابت هستند. همچنین در برخی موارد براساس تحلیل یک ساله یا دوساله تازه برخی نقاط حادثه‌خیز که زیربنای آن در گذشته احداث شده شناسایی می‌شوند. ما در کل ۳۰۰ هزار نقطه حادثه‌خیز داریم که ۳۲۰۰ نقطه آن مربوط به وزارت راه است و ۵۰۰ نقطه تاکنون اصلاح شده است.»

رئیس پلیس راهور کشور همچنین با انتقاد از وضعیت خودروهای تولید داخل گفت: «کمپانی‌های بزرگ خودروساز بر چهار عامل زیبایی، ایمنی، کیفیت و ارزانی رقابت می‌کنند و خودروسازهای ایرانی به این مسائل اهمیت نمی‌دهند و در تصادفات، خودرو چنان آتش می‌گیرد که انگار در آن خودرو تی‌ان‌تی کار گذاشته‌اند.»

حراج حضوری

موسسه‌ای اقتصادی در نظر دارد اقلام مشروحه ذیل را از طریق حراج عمومی به فروش برساند.

متقاضیان بایستی ۲۰٪ مبلغ پیشنهادی را در زمان خرید به‌صورت نقدی یا ایران چک پرداخت نمایند.

«دارندگان کارت‌های بانکی عضو شتاب می‌توانند از طریق کارتخوان خرید نمایند.»

- تعداد ۳ دستگاه خودرو سواری با وضعیت قابل شماره گذاری (۲دستگاه) و اوراقی (۱دستگاه)
- تعداد ۸ دستگاه موتور خودروهای خارجی با وضعیت اوراقی و ۵دستگاه گیربکس (همگی مستعمل)
- انواع فلیتر هوا، فیلتر روغن و فیلتر اتاق خودروهای خارجی
- مقدار قابل توجهی لوازم یدکی خودروهای خارجی در انواع مختلف
- انواع پارچه، انواع کولر گازی و انواع عینک آفتابی
- تعدادی اجاق گاز برقی توکار و لوازم خانگی دیگر
- انواع دستگاه باد، مینی فر، چراغ دستی شارژی و ...
- مقداری چوب (محل بازدید منابع طبیعی شهرستان شازند)

زمان بازدید: شنبه و یکشنبه مورخ ۰۵ و ۱۴۰۱/۰۶/۰۶ از ساعت ۹ صبح الی ۱۳

محل بازدید

۱- اراک - فاز یک شهرک شهید بهشتی، میدان صنایع دستی، خیابان ارشاد، روبروی آزمایشگاه فنی و مکانیکی خاک
۲- شازند - جنب اداره آموزش و پرورش، اداره منابع طبیعی

مکان و زمان برگزاری حراج

اراک - فاز یک شهرک شهید بهشتی، میدان صنایع دستی، خیابان ارشاد، فرهنگسرای آیینه
دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۷ از ساعت ۹ صبح الی ۱۳
تلفن تماس: ۲ - ۰۸۶۳۲۲۱۱۵۹۱

PGSOC
Persian Gulf Star Oil Company
شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی خاص)

مناقصه عمومی تأمین ۲۲ تن ماده ضدخوردگی آنتی اسکیل (Belgard EV2050 و یا مشابه آن)

شماره مناقصه: PGSOC-LEC-ANTISCALANT-TE-01948

شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام) در نظر دارد تأمین ۲۲ تن ماده ضدخوردگی آنتی اسکیل (Belgard EV2050 و یا مشابه آن) جهت استفاده در پکیج‌های آب شیرین کن MED را از طریق مناقصه عمومی به تولیدکننده/تأمین کننده واجد شرایط واگذار کند، بنابراین از همه شرکت‌های معتبر دعوت می‌شود برای تهیه اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ با ارسال نامه، اعلام آمادگی و فیش خرید اسناد را از طریق پست الکترونیکی ارسال کنند.

هزینه خرید اسناد: ۲،۰۰۰،۰۰۰ (دو میلیون) ریال واریزی به حساب شماره ۲۳۹۰۳۸۱۱۳۴ بانک تجارت با شماره شبا IR510180000000002390381134 به نام شرکت نفت ستاره خلیج فارس (متقاضیان به منظور دریافت شناسه اختصاصی پرداخت می‌بایست با بخش خزانه امور مالی به شماره ۳۱۳۱۲۶۷۷-۰۷۶ و ۳۱۳۱۳۳۵۷-۰۷۶ تماس حاصل فرمایند.)

میزان ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۱،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (یک میلیارد و یک‌صد میلیون) ریال

مهلت تحویل بسته پیشنهادی مناقصه: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

محل تحویل بسته پیشنهادی مناقصه: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ محور بندرعباس به بندر خمیر، بلوار صنعت نفت، میدان نفت بلوار خودکفایی، شرکت نفت ستاره خلیج فارس، امور حقوقی و قراردادها

تلفن: ۳۱۳۱۰۰۰۰-۰۷۶ داخلی ۲۵۹۷ دورنگار: ۳۱۳۱۳۱۳۱-۰۷۶ کدپستی: ۷۹۳۱۱۸۱۱۸۳ ایمیل: Legal@pgsoc.ir

روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت نفت ستاره خلیج فارس